

برف تا کمر در تاریکی نشسته

حسن همایون

مجموعه شعر

۹۰-۸۱



انتشارات

www.kermani.com
T: 021-8877777
F: 021-8877777
E: kermani@kermani.com

انتشارات کرمی

www.kermani.com

کرمی (۱۱۰۰۶)
کرمی (۱۱۰۰۶)
کرمی (۱۱۰۰۶)
کرمی (۱۱۰۰۶)



انتشارات کرمی

فهرست



فصل نخست: علیه تهران

- ۱۱ برای آن دخترشاعر دور از سرزمینم
۱۳ دارم خفه می شومات را زندگی می کنم!
۱۵ چهارشنبه ها ...
۱۷ بندرگاه
۱۹ از نخلای سبز آبادان؛
۲۱ زمین را رها کن به شب بخورد!
۲۳ خاطره‌ی تاریک رفتن را از یاد نمی بریم
۲۵ پیشانی مردها سال هاست در فکر غرق شده
۲۷ شعر شیراز
۲۹ بالکن
۳۱ درباره‌ی درختی که دوست داشتم همسرم باشد
۳۳ شکنجه شده ها
۳۶ درحالی که هنوز ایرانم!

فصل دوم: اعتراف

- ۴۱ شب های تاشده لای پیرهنم
۴۳ عین عین
۴۶ برای خاطر پل ها - آدم ها
۴۸ مثل تقویمی خورشیدی می سوزم!

۱۱۴.....	شبکه‌ی ریل‌ها و آدم‌ها
۱۱۶.....	حفره‌ها
۱۱۸.....	استحاله‌ی مرگ
۱۱۹.....	الوار
۱۲۱.....	والس پروانه‌ها
۱۲۳.....	دور آخر

۵۰.....	هیچ چیز نمی‌چرخد
۵۳.....	زن‌ها برای همیشه از تاریخ کوچ می‌کنند
۵۶.....	دلتنگی‌ام را پارس می‌کنم
۵۸.....	دوستت دارم را به هر شکلی می‌شناسم
۶۰.....	برای ماهی‌هایی که صیدم نشدند
۶۱.....	برف تا کمر در تاریکی نشسته
۶۳.....	سربازها - سپیدارها
۶۵.....	کودکی که از رفتار چشمانت چیزی نمی‌فهمد!
۶۷.....	حکومت نظامی
۶۹.....	پاییز در کودکی‌های جهان خاطره می‌سازد
۷۱.....	درختی که حرف‌های عمیق نمی‌خواست!
۷۳.....	قدم‌زدن در پیاده‌رو
۷۵.....	رنگ‌ها خانه را ترک کردند
۷۷.....	غمم در چلواری سپید کبود می‌شود
۷۹.....	سه اپیزود درهم‌بافته از طناب
۸۱.....	روزهای تهران
۸۳.....	یک روایت مخدوش
۸۴.....	دوستت دارم‌های جهان
۸۶.....	برهنه از شعرم بیرون می‌زنم
۸۸.....	تنهایی خرسی قهوه‌ای ست
۹۰.....	آشغال‌ها
۹۲.....	استعاره
۹۴.....	به اپیزودی که بر نمی‌گردد!
۹۶.....	بوسه‌ها
۹۸.....	از لای تصویرهای گم‌شده
۱۰۱.....	ده اپیزود نوستالژیک از زندگی شاعری که رمانتیک بود
۱۰۴.....	چهره‌ی له‌شده‌ی آدمی زیر شعرم
۱۰۶.....	کاش زبانی در میان نبود
۱۰۸.....	شکل‌های کمیک مردی نومید
۱۱۰.....	کسی فلوت می‌زند
۱۱۲.....	پرتره‌ی زنی تنها زیر نور ماه!

بیت اول و دوم از قصیده

بیت سوم از قصیده

بیت چهارم از قصیده

برای آن دخترشاعر دور از سرزمینم

کلام خسته می شود از یادش می فرماید

پله‌های این آپارتمان به جهانی متروک می‌رسد
کلید می‌اندازم قفل می‌چرخد
به خانه‌ی تنها در خویش فرو رفته سلام می‌دهم

پنجره‌ای در گودی کتف‌هایم باز می‌شود
رو به آسمان جنوب تهران
رو به پروازهای خارجی که در باند مهرآباد می‌نشینند

پله‌های زیادی در من ساخته است
می‌رود بالا بالاتر می‌رود
بر بلندای ناقوس کلیسایی در شهری قدیمی
دست بر پیشانی می‌گذارد

از آن دورها مرا در طاقی پنجره‌ام می‌پاید
می‌دانم هجی کردن به پارسی نمی‌داند
تا از همین فاصله‌ی دور دوستت دارم را لب‌خوانی کنم

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها
همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها
همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها
همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها
همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها
همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها
همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

دارم خفه می‌شوم ات را زندگی می‌کنم!

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

همیشه با آن دورها دوستی داشته‌ام آن دورها

میل به هوای آزاد تو

شاعرم کرد

عاشق ترم کرد

ببند دهنم را دستانم را چشمانم را

دست از تو شاعر شدن نمی‌کشم

دست از تو عاشق ماندن دزدان

دارد درمی‌آورد کودکی شیرخوار در حرف‌هایم

تا راه بیفتد دنبال پروانه‌ای بر پیرهننت -

پیرهن پیره پیر می‌شوم و حرف به -

حرف آب می‌رود رویای کودکی‌ام را که پوشیده‌ای

چه می‌آید به تنت آبی‌تر از همیشه